

کدام تنبیه عامل یادگیری می‌شود؟!

قنبر حاجی‌وند



بدنی (که کرارا در قالب بخشنامه‌های وزارتی و استانی به مدارس می‌رسند) می‌توان توجیه کرد که در مواردی شایسته و بایسته است که دست به تنبیه زد؟

پاسخ به این سؤالات و صدها سؤال مشابه دیگر ما را وامی‌دارد که به منابع دینی و اسلامی مراجعه کرده و جوابی درخور بیابیم. چرا که جامعه ما و تربیت ما و در یک کلام هدف ما از تعلیم و تربیت، پرورش افراد مستول و متعهد در برابر نظام فکری و اجتماعی موجود است و در محیطی که این هدف حاکم است، وضع برنامه و تنظیم دروس نیز برای فراگیران به عنوان زیربنای هدف بوده و باید بین این دو (زیربنا و هدف) مطابقت

مورد پاداش قرار گیرد. پس تنبیه همراه با تقویت رفتارهای مطلوب، بهترین نتیجه را دارد.»

حال جای چند سؤال است: - آیا واژه تنبیه در حوزه معنی لغوی و به عنوان بیداری و آگاه‌ساختن توصیه می‌شود؟ - آیا منظور از تنبیه به استناد برخی کتب روانشناسی همان تنبیه بدنی است که می‌تواند رعبی در فراگیر ایجاد کند تا «برای اینکه مجازات نشود وظیفه خود را انجام دهد.»؟ - آیا توصیه تنبیه به استناد منابع روانشناسی تربیتی و غیره (از هر نوع تنبیه که باشد) اهداف اصولی و نظام‌یافته مشاوره و راهنمایی را نفی نمی‌کند؟ - و بالاخره آیا با توجه به منع مذهبی و منع قانونی تنبیه

... مدتی بود برای تکمیل نوشته‌ام دنبال منابع و مأخذی می‌گشتم در زمینه رد تنبیه بدنی در مدارس و خانواده‌ها، که یک روز روی میز آقای مدیر ماهنامه تربیت شماره جدید (اسفند ماه ۷۳) را مشاهده کردم. به بحث «یادگیری و عوامل مؤثر در آن» برخوردم. ضمن تشکر به خاطر رهنمودهایی که در آنجا آورده شده، چیزی که ذهن این حقیر را به کنجکاوای واداشت و لزوم نوشتن این مطالب را موجب شد، این پاراگراف بود: «این هشدارها بدان معنی نیست که هرگز نباید از تنبیه استفاده کرد. تنبیه بطور مؤثرتری می‌تواند پاسخهای نامطلوب را از میان بردارد، به شرط آنکه همراه با آن، پاسخ مطلوبی که رخ می‌دهد،

محسوسی وجود داشته باشد.

البته ما منکر علوم روانشناسی و توصیه‌های علمای مربوط به آن نیستیم، ولی طرز تلقی هر کس و پندار آذهان عمومی از بند بند تأکیدات این علوم خود کاریست بس دشوار و خطیر. با این همه لزوم توجه به تربیت اصولی ما را مقید می‌سازد که با بهره‌گیری از توصیه‌های اسلامی به مطالعه و استفاده از نظرات و کتب دیگر نیز اقدام کنیم. از طرفی اگر قدری تأمل کنیم در میان این محققان افرادی پیدا می‌شوند که درست دیدگاهی مطابق با سفارشات اسلامی و مراجع مذهبی ما دارند و بر دوری از تنبیه در هر شکلی تأکید دارند:

«گروهی از محققان و دانشمندان تعلیم و تربیت، در مسأله تنبیه و مجازات، راه افراط و یا تفریط در پیش گرفته‌اند. ولی اسلام - که در همه شئون، راه میانه و عادلانه‌ای را پیشنهاد می‌کند - در این زمینه نیز نظریه‌ای معتدل دارد. مخالفان گزافگویی مجازات و تنبیه بدنی برای تأیید نظریه خود به ادله‌ای متوسل می‌شوند که چندان معقول نیست. گروهی از دست‌اندرکاران تربیت که در رأس آنها ژان ژاک روسو قرار دارد، معتقدند که انسان هرگز در تربیت خردسالی نیازی به مجازات و تنبیه ندارد زیرا برای هر عملی، مجازات و تنبیه طبیعی وجود دارد. کودکی که سیب فاسد می‌خورد، دچار دل درد می‌گردد. طفلی که به آتش نزدیک می‌شود از آن آسیب می‌بیند و...»^(۱)

در مقابل چنین دیدگاههایی که پیرامون کودکی انسان و نحوه تربیت یابی او سخن گفته‌اند، دانشمندانی همچون اسپنسر پیدا می‌شوند که صراحتاً توصیه می‌کند که از تنبیهات غیرطبیعی بپرهیزند.

اسپنسر می‌گوید: «بهترین سنتی که باید در تأدیب طفل از آن پیروی شود، مجازات طبیعی است که متجانس با عمل اوست. اما تنبیه بدنی و توییح و زجر طفل، از نوع تنبیه و مجازاتی است که فاقد هرگونه ارزش و اهمیت است و ضرر و زیان چنان تنبیهاتی، از نفع آن بیشتر است.»^(۲)

اعتراض و انتقادی که اسپنسر و

طرفداران مکتب مجازات طبیعی بر مریبان و معلمان دارند این است که چرا آنان، کودکان و خردسالان را تهدید به مجازات می‌کنند ولی هیچگونه مجازاتی درباره آنها معمول نمی‌دارند؟! لذا به اعتقاد ایشان چنین تهدیدهای توخالی، موجب افزایش جرم و تخلف می‌گردد، پس باید بدون ملاحظه و تردید، تهدید خود را عملی سازند!

این است روشهایی که روانشناسی محققان ارائه می‌دهد در باب تنبیه و نحوه اجرای آن در مورد متری.

از سوی دیگر در بُعد تشویق و ترغیب فرد که ما در نظام آموزشی خود متأسفانه هیچ بهره‌ای از آن نمی‌گیریم کم و محدود است. علمایی همچون ثورندایک ایجاد شوق و سرور در قلب انسان را در سازندگی شخصیت او تأیید کرده‌اند.

«حتی ثورندایک از عامل تنبیه روی گردان شده است و علت عدم توجه او به مسأله تنبیه و مجازات، تجاری بود که نشان می‌داد انسان مجازات‌شده، و افراد متخلفی که مورد تنبیه واقع شدند، صددرصد از تخلف و جرم دست برداشتنند و مجازات، حالت گریز قاطعی را از انحراف در آنها ایجاد نکرده است.»^(۳)

حقیقت مطلب این است که در تنبیه بدنی، در مواردی اتفاق می‌افتد که مربی و معلم از حالت عادی خارج شده و بخاطر انتقام و تشفی قلب، اقدام به تنبیهی آنچنانی می‌کند که سر از دادگاهها درآورده و یا کار به جاهای باریک می‌کشد. پیامبر اسلام در این زمینه در یکی از روایات، به بی‌مهری برخی از معلمان و مریبان نسبت به کودکان اشاره کرده و می‌فرماید: «شَرَّارُ أُمَّتِي مَعْلَمُو صِبْيَانِهِمْ: أَقْلَهُمْ رَحِمَةً لِيَتِيمٍ وَأَعْلَظَهُمْ لِيَلْمِسْكَينَ.»^(۴) (بدترین امت من معلمان کودکان می‌باشند، معلمانی که نسبت به یتیم و خردسالان، کم‌مهرتر، و به بینوایان سخت‌دل‌ترند).

پس آنچه در تنبیه از نظر ما مطرح است توجه به جنبه لغوی آن آگاه کردن و آگاهی دادن باید باشد. به عبارت دیگر هدف آنست که فرد را به خطای خویش

واقف کرده و راه بعدی او را در پیش پایش قرار دهیم. چه بسیار از خطاها و لغزشهای کودک و حتی بزرگسال که بخاطر عدم آگاهی از وی سر می‌زنند، چه بسیار ناهنجاریها، کجرویها و انحرافات که از فرد دیده می‌شود و ریشه آن بی‌خبری است. در چنین صورتی باید بپذیریم که او مقصر نیست، تقصیر از کسی است که این آگاهیهای لازم را بدو نداده است و تنبیه تلاشی است برای وصول به این هدف.^(۵)

باری سیستم تنبیه و مجازات طبیعی، سیستمی مردود و غیرقابل توجه است از آن جهت که سیستمی عاری از رحم و عاطفه بود و احیاناً خطرناک و مرگ‌زاست. کلام خود را با رهنمودی از نهج البلاغه مولای متقیان علی - علیه‌السلام - و یادآوری این نکته به پایان می‌برم. بیاید فرزندان این مرز و بوم را طوری عادت دهیم که تکلیف خود را، اخلاق و کنش خود را از روی میل و احتیاج درونی ادا نمایند، نه از راه امید و ترس.

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَبِ وَالتَّهَانِمِ لِأَتَتَعَطَّى إِلَّا بِالضَّرْبِ.» (پس همانا انسانهای عاقل با اندرز و آداب پند می‌پذیرند، اما چهارپایان با زدن).^(۶)

برخی از زیرنویسها و منابع مورد اشاره:

- ۱ - اسلام و تعلیم و تربیت (بخش دوم: تعلیم)، دکتر سیدمحمد باقر حجتی، ناشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۸، ص ۱۸۳.
- ۲ - همان کتاب، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.
- ۳ - همان کتاب، ص ۱۸۷.
- ۴ - کتاب اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۳۵۴ از آداب‌المتعلمین. (آقای دکتر حجتی استناد نموده‌اند به صفحه مربوطه).
- ۵ - مجموعه بحثها در زمینه خانواده و کودک، دکتر علی قائمی امیری، شهریور ۱۳۵۵.
- ۶ - جزوه تربیت در نهج البلاغه، مؤلف دفتر نشر امام علی(ع)، ناشر اداره کل امور فرهنگی و هنری معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.